

مونوپولی جهانی شدن: ایدئولوژی جدید آمریکایی



○ محمد توحید قام
دکترای علوم سیاسی
و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

○ عصر شکوفایی: نگرشی بر روند جهانی شدن
اقتصاد و چالش‌های جهان در ۵۰ سال آتی
○ پیترو شوارتز، پیترو لیدن، جول هیات
○ ناهید سپهر پور، مهدیه صرام، معصومه
محمدیان ایرانی
○ انتشارات رخسار
۱۳۸۰-۰
○ ۴۰۰ صفحه، ۲۵۰۰ نسخه

و بنا به نظر نویسندگان آن، همچون سایر نظرات در مراحل تکوینی به سر می‌برد. ولی کتاب مملو از جهت‌گیری‌ها و سوگیری‌های آمریکایی است به گونه‌ای که علی‌رغم نکات بسیار بدیع و خواندنی آن اثر را به سمت حمایت از سیاست‌های جهانی به رهبری آمریکا سوق داده است. این کتاب از یک مقدمه و چهار بخش تشکیل شده است. مقدمه با عنوان «برهه‌ای تاریخی» به توصیف عصر شکوفایی می‌پردازد و آن را طرحی نوید بخش برای آینده‌ای بهتر می‌داند. نویسندگان این اثر معتقدند که تحولات ناشی از اینترنت، در حال حاضر به مرحله‌ای رسیده است که آن را به صورت یک سیستم غول آسا برای تبادل اندیشه‌ها و افکار درآورده است. و هم اکنون شبکه‌های جهانی تلویزیون و مطبوعات به طور مستمر از اینترنت استفاده می‌کنند و از این طریق، تازه‌ترین اندیشه‌ها و نظریات، سریعاً به دورترین نقاط و حتی فراتر از قلمرو طبیعی آنها گسترش می‌یابند. قابل ذکر است که تجدید ساختار یک نظام اقتصادی برای نیل به سطوح بالاتری از رشد و رونق، قطعاً به زمان بسیار طولانی‌تری نیاز دارد، در حالی که، یک نظریه می‌تواند در مدت زمان نسبتاً کوتاهی برداشت‌ها و قضاوت‌های مردم را درباره‌ی موضوع

اشاره: داستان ایده عصر شکوفایی در تابستان ۱۹۹۶ و در جریان بدبینی عمومی ملت آمریکا آغاز شد. اغلب مردم آمریکا در آن زمان معتقد بودند که کشور آنها رو به زوال است جهان به طرز خطرناکی از کنترل خارج می‌شود. مجله وایرِد (wired) در سانسفرانسیسکو اقدام به خلق داستان خوش بینانه‌ای از آینده کرد. پیترو شوارتز، مقاله‌نویس این روزنامه و پیترو لیدن سر دبیر، به صورت گروهی روی این نظریه کار کردند و این داستان را به رشته تحریر در آورند.

جول هیات، به عنوان کارآفرینی که درگیر امور سیاسی است و در مدرسه عالی بازرگانی دانشگاه استان‌فورد تدریس می‌کند، در همایشی تحت عنوان سیاست‌های عصر شکوفایی که توسط مجله وایرِد و در واشنگتن دی سی برپا شده بود، به این گروه ملحق شد و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که نماینده ایالات متحده، اروپا و ملل توسعه یافته است به این ایده پی بردند و به برپایی کنفرانسی تحت عنوان «پویایی‌های اقتصادی قرن بیست و یکم: تشریح عصر شکوفایی» مبادرت کردند. این چنین بود که کتاب عصر شکوفایی پدید آمد. هر چند که عصر شکوفایی از نظریه‌ای مثبت برای آینده‌ای بهتر حکایت می‌کند

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

معنی، از منفی به مثبت و یا از ناامیدی به امیدواری تغییر دهد و به آنها کمک کند.

ایده‌ی عصر شکوفایی با این نگرش آغاز می‌شود که جهان با یک فرصت تاریخی خاص روبرو شده است. یعنی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ میلادی دوره‌ای است که طی آن، دگرگونی جهانی شگفت‌انگیزی در شرف تکوین است. کتاب عصر شکوفایی دو منطقه ایالات متحده و قسمت‌هایی از اروپا را دو ناحیه شکوفاشده‌ای می‌داند که بررسی تجارب آنها می‌تواند آگاهی ما را از کیفیت عملکرد این نوع جدید اقتصاد در مقیاس وسیع افزایش دهد. عصر شکوفایی در حقیقت طلیعه پیشرفت‌های تکنولوژیک اساسی در دو دهه آتی است که در این دهه‌ها می‌توان شاهد رشد اقتصادی سریعی بود.

مردم سال ۲۰۵۰ شاهد تحول پرتنش‌ی خواهند بود که در آستانه این قرن در جهان رخ داد. نگرانی این هزاره، احساسی بیش از یک واکنش نسبت به فروپاشی اقتصاد در آسیا و سایر مناطق در حال توسعه نیست. آنها این آشفتنگی را به عنوان جنگ در دنیایی تفسیر می‌کنند که سعی دارد با استفاده از تکنولوژی‌ها و اقتصاد جدیدی که از نو طرح‌ریزی شده، به سوی جهانی شدن قدم بردارد. و یکپارچگی اقتصادی، اولین مرحله یک پیوستگی اجتماعی و سیاسی به مراتب پیچیده‌تر در پایان قرن جدید خواهد بود.

عصر شکوفایی نیمی در گذشته و نیمی در آینده دارد که در این کتاب از هر دو جهت به این گستره اشاره شده است. آنچه مربوط به گذشته است. توصیف پیشرفت‌های تاریخی‌ای هستند که طی دو دهه گذشته، فرصت فوق‌العاده‌ای را که امروز با آن مواجه هستیم، فراهم کرده است. اما عصر شکوفایی که به سمت آینده حرکت می‌کند، دیدگاهی از یک جهان بهتر است. رشد اقتصاد جهانی جدید که در مقیاس‌های وسیع و بی‌سابقه‌ای استمرار یافته و به تمام پهنه گیتی در حال گسترش است. چرا که به نظر می‌رسد اکنون انگیزه عملی به هم پیوستن تمام ملت‌ها در این اقتصاد جهانی وجود دارد. نکته مهم دیگر این است که می‌توان این اقتصاد را بدون آسیب رساندن به محیط زیست توسعه داد هر چند که گستره شکوفایی ظاهراً با مشکلات مهارناپذیری همچون گرمایش جهانی، فقر جهان سوم و جنگ مداوم سر و کار دارد. اما مسئله

کشورهای جنوب

نه می‌توانند نسبت به پدیده‌ی جدید

شکوفایی بی‌تفاوت باشند

و نه تسلیم بی‌چون و چرای آن

(که همان حواسنه

نویسندگان عصر شکوفایی است)

بلکه بهترین گزینه درگیری

این واحدها با موضوع جهانی شدن

و اصلاح و بازسازی آن

در خلال یک سیاست اصلاح طلبانه

است که می‌تواند آینده روشن‌تری را

برای آنها به ارمغان آورد

مهم طرح سیاستی است که بتواند در وسیع‌ترین مفهوم خود، قلمروی را تعریف کند که مردم را گرد هم آورده و منابع را یک کاسه کند تا تمام مسایل حل شوند.

شکوفایی که نویسندگان این اثر بر آن تأکید دارند چیزی در ردیف آمریکایی شدن و اروپایی شدن است به گونه‌ای که خود معترف‌اند که «در حرکت به سوی این نظام سرمایه داری جهانی، قابل درک است که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در تشخیص روش‌های جدید و راهبردی و سیادت بر آنها، مقام اول را داشته باشند و از آنجا که ساختار اقتصادی آنها بسیار پیشرفته و بی‌نقص است، در ایفای نقش رهبری در سطح جهانی، از خود گذشته‌تر و گشاده دست‌تر عمل می‌نمایند». اینان بر این باورند که سایر مناطق و کشورهایی که هم اکنون نقاط مشکل‌زا یا به طور بالقوه آسیب‌پذیر تلقی می‌شوند، می‌توانند تا سال ۲۰۲۰ میلادی به این گستره شکوفایی ملحق شوند. این عده معترف‌اند که عصر شکوفایی یک پیش‌گویی نیست، بلکه ایده‌ی زمینه‌ساز یک نظریه است که هدفش آرایه آینده‌ای بهتر برای مردم است. البته در این جا باید دید که منظور نویسندگان کتاب از مردم چه کسانی هستند. آیا منظور تائمین آینده‌ای بهتر برای اروپاییان و آمریکاییان است؟ در هر حال کتاب عصر شکوفایی جهان را در آستانه رویارویی با مشکلاتی هراس‌انگیزتر مانند نابودی جدی محیط زیست و به ویژه گرمایش جهانی می‌بیند که هدف خود را در نهایت واداشتن مردم به عمل و عطف توجه آنها به احساس مسئولیت سنگین و بزرگ خود نسبت به ارتباطات امروز و نسل‌های آینده می‌داند، مؤلفان کتاب با نوعی احساس خوش بینی مضاعف بر این باورند که ما با یک فرصت تاریخی رو به رو هستیم که اگر مورد استفاده قرار گیرد، فواید بی‌نظیری را در پی خواهد داشت.

چالش‌های عصر شکوفایی در پاسخ به یک سؤال محوری مطرح شده است: جهان با چه سرعتی می‌تواند برپایه‌ای رشد کند که به لحاظ اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد؟ در پاسخ به این سؤال و از لحاظ تاریخی بزرگترین مانع رشد عمدتاً از سه عامل نشاءت می‌گیرد: (۱) تضاد سیاسی که ریشه در برخوردهای گرایشی یا ایدئولوژیک دارد، (۲) فشار اجتماعی که حاصل اختلاف اساسی طبقاتی است و در عین ثروت، فقر را ایجاد می‌کند و بالاخره: (۳) عوامل زیست محیطی که در آینده

ایده‌ی عصر شکوفایی
 با این نگرش آغاز می‌شود
 که جهان با یک فرصت تاریخی خاص
 روبرو شده است.
 یعنی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ میلادی
 دوره‌ای است که طی آن،
 دگرگونی جهانی شگفت‌انگیزی
 در شرف تکوین است

چالش‌های عصر شکوفایی
 در پاسخ به یک سؤال محوری
 مطرح شده است:
 جهان با چه سرعتی می‌تواند بر پایه‌ای
 رشد کند که
 به لحاظ اقتصادی و زیست محیطی
 پایدار باشد؟



به وفور بر سر راه رشد ایجاد خواهد شد.
 در یک نگاه گذرا کتاب عصر شکوفایی در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول با عنوان «گذرگاه اجتناب‌ناپذیر» نگاهی دارد به روندهایی که در دوده اخیر دست به دست هم داده و بنیاد فکری بلند پروازانه‌تری را نسبت به آینده در ما پی‌ریزی کرده است. بخش دوم با عنوان «سیاست‌های عصر شکوفایی» مبنای این نگرش را تشکیل می‌دهد و واقعیت‌های سیاسی جدیدی را کشف می‌کند که لازمه تداوم رشد سریع در دو دهه آتی هستند. بخش سوم با عنوان «نیروهای قرن بیست و یکم» نگاهی دارد به موج‌های آتی تکنولوژی‌های جدید و مهیجی که به پیشبرد رشد اقتصادی و همچنین تخریب کمتر محیط ادامه خواهند داد. بخش آخر با عنوان «ایجاد یک تمدن جهانی»، نگاهی دارد به برخی از نتایج دوردستی که حاصل رشد چشمگیر عصر شکوفایی است و تمام مردم جهان را بهره‌مند می‌کند.

این کتاب، یک داستان است که سه رشته متمایز را در هم می‌آمیزد و در تمام قسمت‌های کتاب ادامه پیدا می‌کند. رشته اصلی که با زبان معاصر مؤلفان کتاب نوشته شده، داستان سرائی یکپارچه‌ای است که پیشرفت‌های مربوط به زمینه‌های متفاوت در سراسر دنیا را دنبال می‌کند. این رشته بحثی را برمی‌انگیزد که در بر گیرنده موضوعات بسیاری بوده و به خیال‌پردازی در مورد پیشرفت‌های آینده می‌پردازد. رشته دوم کتاب، در برخی بخش‌ها، داستان آینده ما را به شکل شرحی مستند از سال ۲۰۵۰ میلادی نقل می‌کند. «گزینه‌های قرن بیست و یکم: حرکت به سمت عصر شکوفایی» مروری روزنامه نگارانه بر دو دهه نخست قرن بیست و یکم است. در این مرور رویدادهای تاریخی مهم سال ۲۰۵۰ میلادی، با همان دیدگاهی بررسی می‌شود که ما وقایع دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ را مرور می‌کنیم. به آینده فیلم‌های تلویزیونی امروز فکر کنید که به مرور فیلم‌های سیاه و سفید سفارشی به مارتین لوتر کینگ و جنبش حقوق مدنی می‌پردازد، در حالی که پیتر جینگز با لحنی لطیف، اهمیت تاریخی قرن بیستم را تشریح می‌کند: «گزینه‌های قرن بیست و یکم» بدین سان از عصر ما سخن خواهد گفت. رشته سوم کتاب متشکل از تعدادی نامه است که توسط یک شخصیت ساختگی نگاشته شده است. این نامه‌ها با فواصل ده ساله، در سال ۱۹۸۰ میلادی، آغاز و تا سال ۲۰۲۰ میلادی ادامه می‌یابند و نامه نهایی در سال ۲۰۵۰ میلادی نوشته می‌شود. زمانی که این شخصیت برای مفهوم بخشیدن به دنیای گیج‌کننده پیرامون خود در تلاش است و با نگرانی حاصل از تردید، دست و پنجه نرم می‌کند، این نامه‌ها را به محفل دوستان صمیمی خود می‌نویسد. او در دام زمان گرفتار آمده و قادر نیست نیروهای بزرگتر و مثبت‌تر را در این کار دخیل ببیند. وی این مطلب را به یاد همه‌ی ما می‌آورد که اغلب در دام زمان می‌افتیم و دیدگاه خود را نسبت به این چشم‌انداز بزرگ از دست می‌دهیم. با نگاهی به ده، بیست یا سی سال گذشته، می‌توانیم همچون او به برخی از ترس‌های بی اساس خود بچندیم.

در چشم انداز دراز مدت تاریخ، داستان عصرشکوفایی، بخشی از یک

داستان بسیار بزرگ‌تر است که از قرن نوزدهم آغاز می‌شود. داستان تجدید مسیر پیشرفتی که در آن زمان آغاز شد. انقلاب صنعتی اواخر قرن نوزده، اندیشه پیشرفت را با تلاش بسیار پی‌ریزی کرد، این امید که جهان رو به بهبود می‌نهد و این روند، تا آینده‌های دوردست ادامه می‌یابد. سپس جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. این جنگ مفهوم خوش بینی و پیشرفت را از بین می‌برد. کشورهای بزرگ جهان در تمام دوران جنگ از این تکنولوژی‌ها برای مبارزه استفاده کردند. اما این جنگ، اولین فاجعه انحرافی مسیر پیشرفت بود. تجزیه انتقام جویانه جنگ، جهان را در مسیر ناسیونالیسم روبه رشدی قرار داد که در قالب سیاست‌های اقتصادی و انزوطلبانه متجلی شد. جهان اقتصاد که در دهه ۱۹۲۰ به اوج خود رسیده بود، به دنبال رکود شدید دهه ۱۹۳۰ از هم فروپاشید. این فروپاشی اقتصادی، چنان محرومیت شدیدی به بار آورد که در برخی

نقاط، ناسیونالیسم به فاشیسم مبدل شد، مکتبی که بار دیگر دنیا را به سمت جنگ جهانی دیگری پیش راند. جنگ جهانی دوم بسیار وحشیانه‌تر و قراگیرتر از جنگ جهانی اول بود. حدود ۴۵ میلیون نفر کشته در برداشت. اروپا و ژاپن با خاک یکسان شدند. روند پیشرفتی که در قرن نوزدهم آغاز شده بود، در نیمه اول قرن بیستم افول کرد. در سال ۱۹۴۵ بسیاری از مردم تصور می‌کردند که پیشرفت متوقف شده است. عصر پس از جنگ جهانی دوم، بار دیگر احساس خوشبینی و پیشرفت را در اذهان احیا کرد. پس از جنگ، اقتصاد جهانی، به ویژه در جهان آزاد، روبه پیشرفت نهاد. ایالات متحده خاک کشورش کمابیش از ویرانی مصون مانده بود، اقتصاد جنگ را به اقتصاد مصرفی انبوه و پررونقی مبدل ساخت. اروپا و ژاپن دیوانه وار به بازسازی پرداختند و این چنین بود که رونق اقتصادی آمریکا تا دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ادامه یافت. اما شوک قیمت نفت در سال ۱۹۷۳، آغازگر این تزلزل بود، ضمن این که اقتصاد را به سمت رکود نواعم باتورم پیش برد، دومین شوک نفتی در سال ۱۹۷۹، تورمی معادل چهار برابر قیمت‌ها را به همراه داشت. در دهه‌های اخیر قرن

بیستم، همه براین باور بودند که رونق دوران پس از جنگ امری خلاف قاعده بود و دست یافتن مجدد به آن غیر ممکن می‌نمود. اما داستان اصلی عصر شکوفایی در سال ۱۹۸۰ آغاز شد. لذا دهه ۱۹۸۰ زمان حرکت به سمت نابودی نبود، بلکه آغاز امر بسیار قطعی‌تری را نوید می‌داد: زمان سفر طولانی «عصرشکوفایی». داستان واقعی قرن بیستم این است که رونق دوران پس از جنگ جهانی دوم، جهان را صرفاً به آسانه‌ای بازگرداند که ممکن بود ده‌ها سال قبل در آن وارد شود. این رونق به دلیل کمبودهای حاصل از جنگ‌های پیاپی و اقتصادهایی که تحت رهبری نادرست هدایت شده بودند، حیرت‌آور بود و در پایان این رونق، جهان به سطحی که واقعاً می‌توانست رشد کند، رسید. یعنی آغاز عصرشکوفایی که تکنولوژی سرآغاز داستان جهان در آینده است. در سطور زیرین سعی می‌کنیم تا نگاه مفصل‌تری به چهار بخش اصلی کتاب بیفکنیم تا گامی دقیق‌تر در نقد و بررسی دیدگاه‌های مؤلفان برداشته باشیم.

۱- گذرگاه اجتناب‌ناپذیر:

حدود سال ۱۹۸۰ حوادث چشمگیر با پیامدهای شگرف تاریخی به وقوع می‌پیوندند. اما دستاوردهای موفقیت آمیز فرآیند شکوفایی بی‌امان، یکباره مسیر انحطاط در پیش گرفت که گریبانگیر دولت‌های رفاه‌گرای بزرگ و حتی نظام‌های عظیم‌الجثه‌تر کمونیستی نیز شد. در این بخش سعی می‌شود تا پیشرفت‌های اساسی در زمینه تکنولوژی، علوم اقتصادی و سیاسی دنبال شوند، پیشرفت‌هایی که ما را به وضعیت کنونی سوق داده و ظاهراً برای پیشبرد ما مستعد است، پیشرفت‌های اساسی رایانه‌ها و ارتباطات از راه دور که زمینه دستاوردهای بیشتر در آینده را فراهم آورده‌اند مورد بررسی قرار گرفته است، همچنین ماهیت تغییر هزاره کنونی در نظام سرمایه داری به عنوان مشکلات پیش بینی شده در ایجاد اقتصاد جهانی واقعی توضیح داده می‌شود. به طور خلاصه این بخش بیانگر داستان چگونگی حرکت از نیمه اول عصرشکوفایی تا رسیدن به فرصت تاریخی است که امروز در پیش رو داریم و چگونگی پی‌ریزی دگرگونی‌های جهانی کامل‌تر را برای

سال ۱۹۸۰،

درست همان طور که

نقطه عطفی

در تکنولوژی بود،

در اقتصاد سیاسی نیز،

نقطه عطفی را نشان داد،

رونالد ریگان و مارگارت تاچر

نظام‌های رفاهی را

مورد تهاجم قرار دادند

و زمانه را برای کارآفرینی بیشتر

اقتصاد جدید امروزی فراهم ساختند

کتاب ملو از جهت گیری‌ها

و سوگیری‌های آمریکایی است

به گونه‌ای که علی‌رغم نکات بسیار بدیع

و خواندنی آن،

اثر را به سمت

حمایت از سیاست‌های جهانی

به رهبری آمریکا سوق داده است

رسیدن به دو دهه بعد، به تصویر می‌کشد.

تنها رویداد بسیار مهم سال ۱۹۸۰ رواج رایانه شخصی بود.

فناوری‌های رایانه‌ای و ارتباط از راه دور، زیربنای بنیادین جدیدی را

ایجاد می‌کنند که دنیای ما در قرن بیست و یکم بر مبنای آن استوار خواهد شد. این بنیاد تکنولوژیک امکان

ایجاد دانش اقتصادی بسیار کارا تر و پربارتری را فراهم می‌آورد. رایانه شخصی ابزار مهمی بود که موجب متمرکز شدن نهادهای دیوان سالار و دولت‌های

رفاه‌گرا شد و پایه نظام کمونیسم را سست کرد و به این ترتیب راه به سوی سیاست‌های باز هموار شد چرا که به اعتقاد

نویسندگان کتاب، سیاست باز همیشه در پایان برنده است. با اقدامات شبکه‌ای، رایانه شخصی به یک پل ارتباطی تبدیل شد. چرا که اغلب مردم می‌خواهند ارتباط برقرار کنند. بنابراین تغییر در روش ایجاد ارتباط، تقریباً تغییر در تمام امور دیگر را نیز به دنبال داشت. ظهور اینترنت، ارتباط شبکه‌ای تمام رایانه‌ها با یکدیگر و ادغام رایانه و دنیای ارتباطات از راه دور، در تمام سال‌های دهه ۱۹۹۰ به انفجار رشد در هر دو زمینه منتهی شد. و در این میان مایکروسافت به نمونه رشد آی.بی.ام. تبدیل شده بود. نهایتاً شخصیت‌های مثبت، مجموعه‌ای از برنامه نویسان، کامپیوتربازان و افراد ساه‌اندیش طبقات پایین جامعه هستند که به گونه‌ای آرمان‌گرایانه به رایانه می‌اندیشند و درسراسر جهان پراکنده‌اند. برخی از آنان در شرکت‌های بزرگ، تعدادی در مؤسسات کوچک و برخی از آنها برای خود کار می‌کنند.

اما یک اقتصاد نوین، پرشتاب و با قدرت نوآوری بالا، روش عملکردهای تجاری را تغییر می‌دهد و اصول نظام سرمایه داری را مورد بازنگری قرار می‌دهد. چنین تغییر عظیمی همیشه بانگرانی و آشفتگی همراه است. اقتصاد نوین سعی دارد به تحول جهانی واقعی دست یابد و ما باید نیروهای مؤثر را بشناسیم و این تحول یعنی تحول هزاره را به تحقق برسانیم. سال ۱۹۸۰، درست همان طور که نقطه عطفی در تکنولوژی بود، در اقتصاد سیاسی نیز نقطه عطفی را نشان داد و رونالد ریگان و مارگارت تاچر نظام‌های رفاهی را مورد تهاجم قرار دادند و زمینه را برای کارآفرینی بیشتر اقتصاد جدید امروزی فراهم ساختند. لیکن رایانه‌ها در این دگرگونی نقش مهمی داشتند. در سراسر دهه ۱۹۸۰ و به ویژه طی بحران اقتصادی اوایل دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده، شرکت‌ها به صورت واحدهای کوچکتری در آمدند. روش جدید مدیریتی که با واقعیت نوین تطابق داشت. در مجموع دو نوآوری مهم در ماهیت نظام سرمایه داری جهانی، یعنی امور مالی و سازماندهی، بهره‌وری اقتصادی را به گونه وسیعی رشد دادند. و اکنون این اقتصاد ایالات متحده است که طولانی‌ترین

در دو دهه‌ی آتی، پیل‌های سوختنی

برای جایگزین شدن

با موتور درون‌سوز،

از نیروی لازم برخوردار خواهند بود.

هندروژن به عنوان منبع

انرژی پاکیزه پیل‌های

سوختنی

می‌تواند به زودی

جایگزین نفت شود.

دوره توسعه عصر صلح را بدون رکود در تاریخ ملل حفظ کرده است و همان گونه که ملاحظه می‌شود کتاب حاضر

سعی دارد به نوعی بین شکوفایی و توسعه آمریکایی ارتباط برقرار

کند. در این میان تغییرات تکنولوژی و اقتصاد سیاسی

جهان غرب با سومین رشته از وقایعی

که در سال ۱۹۸۰ میلادی بر محور جهانی

شدن دور می‌زد، همراه شد. در سال ۱۹۸۰

میخائیل گورباچف عضو پولیت بورو (هیأت مرکزی

حزب کمونیست شوروی) شد و روندی را آغاز کرد که

اتحاد جماهیر شوروی سابق را به سمت نظام دموکراسی و

سرمایه‌داری سوق داد. کمی قبل هم دنگ شیائو پینگ کنترل

قدرت سیاسی جمهوری خلق چین را بدست گرفت و چینی‌ها را به سمت

نوعی اقتصاد بازاری سوق داد. و هر دو واقعه نقطه آغازین برای برقراری

دنیای واقماً جهانی شده بودند. و امروز ما شاهد تغییر ماهیت نظام

سرمایه‌داری جهان هستیم. نظام سرمایه‌داری دو رکن اساسی دارد: سرمایه

و کار از سال ۱۹۸۰ شاهد نوآوری اساسی در بخش سرمایه بوده‌ایم. دنیای

مالی دستخوش تغییر فوق‌العاده‌ای شده است و مبالغ هنگفت پول، در

تکنولوژی‌های جدید سرمایه‌گذاری شده‌اند. مسلماً دنیای سرمایه‌داری،

به ویژه نظام مالی باید اصلاح و تکمیل شود. اما تحرک واقعی مسئله

در بخش کار نهفته است.

تحول هزاره‌ای در نظام سرمایه داری جهانی، در برابر جامعه جهانی

گزینه‌ای قرار می‌دهد: آیا سیاست اقتصادی با رشد وسیع را در پیش

گیریم یا اقتصادی که از پویایی اندکی برخوردار است و رشد آهسته‌تری

دارد، برگزینیم یا این که همچون طرفداران افراطی محیط زیست، جامعه‌ای

بدون رشد را ترجیح دهیم؟ امروز بخش اعظم جمعیت جهان، فقط زنده

هستند. از نظر آنها، تنها راه ممکن برای رسیدن به استاندارد مناسب

زندگی یا حتی‌الامکان زندگی در طبقه متوسط، رشد وسیع اقتصاد جهانی

است. نگرانی‌های زیست محیطی دلیل دیگر حرکت به سمت تکنولوژی

برتر هستند. تکنولوژی جدید موجب کاهش تخریب محیط شده، آن را

به شرایطی قابل قبول و حتی رو به بهبود می‌رساند، ضمن این که رشد

خود اقتصاد را نیز میسر می‌سازد. این یک پیروزی یا موقعیت پیروزمندانه

و نشانه‌ای از عصرشکوفایی است. باید ساختار منظم و مستحکمی ایجاد

می‌شد تا عملکرد جریان آزاد سرمایه از هرگونه آسیب جانبی محفوظ

بماند. و آن به کارگیری شکل جدید سازمان‌های شبکه‌ای در بخش

دولتی بود.

در دهه ۲۰۰۰ میلادی، ایده حکومت جهانی مطرح شد، نه دولت

جهانی، جهانپای پی بردند که هیچ گونه سازمان جهانی برای نظارت

برفعالیت بین ملت‌ها وجود ندارد. لازم بود بین بخش‌های مختلف

هرچند که نویسندگان کتاب مردم جهان را دارای حق انتخاب می دانند ولی در عمل با نوشتن این کتاب در حقیقت هیچ انتخابی را برای جهانیان قابل نشده اند مگر یک انتخاب

آن هم زندگی به روش آمریکایی و اروپایی و هضم شدن در نظام بین الملل جهانی



حکومتی این ملل، شبکه های رسمی ایجاد شود، شبکه هایی که بر دو امر مهم استوار بودند: استفاده از معیارهای مشترک برای قانون و عملکردهای حقوقی و اتخاذ مکانیسم های اختیاری، جهت رفع اختلافات ناشی از انحراف عملکردهای ملی. شبکه های حکومتی آزاد، زیر بنای دموکراسی مؤثر در مقیاس جهانی را ایجاد کردند. در قرن بیستم، امور بین المللی از طریق گروه کوچکی از سیاستمداران نخبه انجام می شد. امروز تقریباً هر کسی در جهان می تواند راه هایی برای مشارکت در فرآیندهای حکومت بیابد. مذاکرات سیاسی واقعی تاکنون تابع تأیید اقتصادی بوده است. امروز تمام امور جهانی شده است.

۲. سیاست های عصر شکوفایی:

«ایدئولوژی جدید آمریکایی»، «رنسانس جدید اروپایی»، «آریا دوباره بر می خیزد» و «چالش های جهانی» مباحث عمده این بخش را تشکیل می دهند. کتاب سعی دارد تاسرمایه های هر تمدنی را که بتواند در سال های آتی به روند شکوفایی کمک کند، مورد ارزیابی قرار دهد و به توصیف راهی واقع گرایانه به سمت آینده بپردازد.

ایدئولوژی جدید آمریکایی: ایالات متحده به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و نیز به عنوان یک مبتکر، نقش مهمی در تغییرات جهانی ایفا می کند. نوعی اتفاق نظر سیاسی آمریکایی در شرف تکوین است که پیرامون یک ایدئولوژی عملی شکل می گیرد. و به فرآیند رشد در سطوح عالی تداوم می بخشد. یک استراتژی با رشد بسیار وسیع برای اقتصاد جدید، به ایجاد سیاستی فراگیرتر، یک جامعه نوین علم پژوه و موقعیت های قابل دسترس برای همگان نیاز دارد. ایدئولوژی آمریکایی جدید موضوع مربوط به چپ و راست نیست. نحوه کار مهم است. چپ یا راست لیبرال را کنار بگذارید. هر جا کار ارزشمندی هست، قدردانی کنید. از محافظه کارانی که کمک کردند تا نیروهای مان را برای بهبود بخشیدن به اقتصادمان به کار گیریم، متشکریم، از لیبرال هایی که کمک کردند درک خود را نسبت به قدرت تنوع بالا ببریم، نیز باید تشکر شود. هر دو جناح برای مشارکت، نقاط قوت بسیاری داشتند. ایدئولوژی آمریکایی جدید نتیجه طرز فکر سنتی هر دو جناح راست و چپ و به ویژه تأثیر آزادی خواهی در هر دوی آنها است. طرفداران عصرشکوفایی همچون طرفداران جناح راست خواستار اقتصاد آزاد هستند، یعنی می خواهند در هر زمان، نقش دولت را از اقتصاد حذف کنند و بگذارند بازار به بهترین نحو ممکن دولت را از زندگی شخصی خود دور نگاه دارد و به هر زن و مردی حداکثر آزادی عمل را بدهد تا سبک زندگی دلخواه خود را انتخاب کند. در هر حال این آزادی خواهی، همان آزادی خواهی آنارشیستی نیست. حزب آزادی خواهی آنارشیستی در ایالات متحده با حزبی در اقلیت جناح راست که به گونه ای متعصبانه با حکومت مخالف است، متحد شده است. اما طرفداران عصر شکوفایی، ضد دولت نیستند. آنان معتقداند دولت شایسته می تواند خدماتی ارائه دهد که بازار به تنهایی قادر به انجام آن نیست. راه دیگر برای درک شیوه تفکر عصر شکوفایی، در نظر گرفتن آن به عنوان تلاشی در جهت رسیدن به تعادل

است. کافی است که دست از چرخش به این سو و آن سو یا جناح چپ و راست کشید. هر دو جناح چیزی برای عرضه کردن دارند و جهان به جایی رسیده است که می توانیم بهترین وجوه هر یک از این دو جناح را به کار ببریم، فقط باید مفهوم تعادل را به درستی دریابیم. در چنین شرایطی، جهان به جایی می رسد که باید از هر دو جناح بهره برداری کند. حال دیگر ایدئولوژی آمریکایی جدید، صرفاً آمریکایی نیست و به ایدئولوژی جدید تبدیل شده است. تنها دلیل ما برای آمریکایی نامیدن ایدئولوژی این است که در میان مللی که در حال توسعه اقتصاد نوین هستند، ایالات متحده تنها کشوری است که در ابتدا آن را به گونه ای یکپارچه شکل داده است.

رنسانس جدید اروپایی: اروپا الگوی جدیدی از یکپارچگی اقتصادی و سیاسی را خلق می کند که احتمال می رود شمار بسیاری از سایر مناطق جهان، آن را دنبال کنند. اتحادیه اروپا و یکپارچگی مالی اخیر آن، قوانین حاکمیت در میان ملل بسیار پیشرفته را تغییر می دهد. امریکای لاتین هم تبار فرهنگی اروپا، الگویی از تحولات اقتصادی سیاسی را به نمایش گذاشته که به سمت قوانین جدیدین روند جهانی پیش می رود.

فرهنگ نوآور تمدن غربی هستند. می‌توان انتظار داشت که آنها، سازندگان اصلی سیستم جدید قرن بیست و یکم باشند که در شرف تکوین است. سه نوع عمده‌ی مشارکت آنها مشهود است: مشارکت اول آنها تغییر خیره‌کننده در سیاست اروپا است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ آغاز شده است. هر کشور پس از دیگری، کنترل سیاسی را از راست به چپ و از محافظه‌کار به سوسیال دموکرات واگذار کرده است. به بیان روشن‌تر، کنترل سیاسی در بهترین مراحل خود به احزاب مردمی واگذار شد. مشارکت دوم: از یک نقطه نظر تاریخی، اروپاییان نیز درگیر یک روند همبستگی اقتصادی، مالی و شاید سیاسی بوده‌اند، روندی که بازتاب درازمدتی برای سایر نقاط جهان خواهد داشت. مشارکت سوم: اگرچه ممکن است عده‌ای تصور کنند مسیری که اتحاد رو به رشد اروپایی طی می‌کند، به سمت نوعی «ایالات متحده اروپا» هدایت می‌شود، اما در واقع به نظر می‌رسد که اروپا با پذیرش تفاوت فرهنگ‌های محلی، بیشتر در جهت رسیدن به ساختاری همچون «فرهنگ متحد اروپا» حرکت می‌کند.

به نظر می‌رسد در اروپا هویت خرده‌فرهنگ‌های ناحیه‌ای و محلی به این فرآیند راه یافته و در اوج خود، به طور همزمان، به صورت نوع جدیدی از هویت اروپایی در برابر جهان، شکل می‌گیرد. هویت‌هایی که در نهایت وارد این یکپارچگی می‌شوند، دولت‌های ملی هستند که در این حوزه قرار می‌گیرند. در قرن بیست و یکم آمیزش فرهنگ‌ها همگام با پیشرفت جهانی شدن، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. تمامی فرهنگ‌های دنیا که قرن‌ها از همدیگر مجزا مانده بودند، به جهانیان شناسانده می‌شوند. خیزش دوباره‌ی آسیا: از دهه ۱۹۸۰ بسیاری از برتری‌های آسیا، زمینه رشد اقتصادی چشمگیر تازه این قاره را فراهم کرد ولی ناتوانی سیاستمداران در هم‌وردی با اقتصاددانان به بحرانی منجر شد که در سال ۱۹۹۷ آغاز گشت. راه‌حل مسئله تشکیل مؤسسانی با مردم‌سالاری روشن سیاسی و سیستم حکومتی موفق است که به نیروی اقتصادی سرکوب شده امکان احیای مجدد بدهد. آسیا می‌تواند منابع انسانی بسیاری را به کار گیرد و جایگاه شایسته خود را در کمک به رهبری جهان پیدا کند.

قدرت جهانی در دو مرکز مهم استقرار یافته بود: مهد تمدن غربی در اروپا و تمدن شرقی در چین. قرن بیست و یکم شاهد مشارکت بیشتر قدرت بین این دو تمدن و در نهایت آمیزه‌ای از بهترین تأثیرات هر دو خواهد بود. چرا که در دهه ۱۹۹۰ بازارهای آزاد و دموکراتیک به طرز فراگیری پیروز شدند. در این میان نیاز اصلی عبارت خواهد بود از: واحدهای هماهنگ، کارکردن در سیستم‌های خوداصلاح و حرکت در جهت آینده‌ای انعطاف‌پذیر. و هم‌اکنون نزدیک‌ترین نظام‌ها به این کمال مطلوب، اقتصاد بازار و دموکراسی‌هایی هستند که با روش‌های بسیار شفاف عمل می‌کنند و برای حفظ قانون سالم دو رقیب یا بیشتر تلاش می‌کنند.

چالش‌های جهانی: سه چالش مهم در سه منطقه سرچشمه دارند که احتمالاً در مسیر عصر شکوفایی قرار می‌گیرند. این چالش‌ها عبارت‌اند از چگونگی کاهش احتمالات وقوع جنگ فراگیر، تغییر شرایط ایجادکننده

رایانه شخصی ابزار مهمی بود که موجب متمرکز شدن نهادهای دیوان سالار و دولت‌های رفاه گرا شد و پایه نظام کمونیسم را سست کرد و به این ترتیب راه به سوی سیاست‌های باز هموار شد چرا که به اعتقاد نویسندگان کتاب، سیاست باز همیشه در پایان برنده است

اروپا منطقه بعدی است که به سوی اقتصاد نوین حرکت می‌کند. اروپا با یک گام ضعیف به سمت همان تغییراتی رو می‌نهد که آمریکایی‌ها از اوایل تا اواسط دهه ۱۹۹۰، پشت سر گذاشتند. مؤسسات و خانواده‌های اروپایی، به سرعت تکنولوژی‌های رایانه‌ای جدید را به کار گرفتند و به شبکه اینترنت متصل شدند. حرکت توده مردم به سمت بازار سهام و سرمایه‌گذاری متقابل، استفاده از پیشنهاد‌های ابتدایی مردمی، تقویت راهکارهای جدید سرمایه‌گذاری قماری و مخاطره‌آمیز را با هم تلفیق کردند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ اروپایی‌ها سرانجام، با خصوصی‌سازی شرکت‌ها ترقی کردند و به بازسازی شرکت‌ها و تسهیل قوانین اقتصادی روی آوردند، به گونه‌ای که مؤسسات کارآفرین بتوانند رشد کرده و ایجاد شغل کنند. این بازده کشور مهم، با یکی کردن پول‌های رایج خود، در مقایسه با بیش از ۲۷۰ میلیون نفر جمعیت ایالات متحده، جمعیت متحدی معادل بیش از ۲۹۰ میلیون نفر دارند. آنان ۱۹ درصد از محصول ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کنند و این میزان برای ایالات متحده ۲۰ درصد است. آنها ۱۹ درصد از تجارت داخلی جهان را در دست دارند، در حالی که این رقم برای ایالات متحده ۱۷ درصد است. اروپایی‌ها بخشی از این



ترویرسم و در نهایت، مقابله با فقر نومیدکننده‌ای که هنوز میلیاردها انسان با آن دست به گریبان‌اند. اینها چالش‌هایی است که جهان در زمان‌های کوتاه، متوسط و درازمدت با آنها روبرو خواهد شد. در این میان روسیه در مدت زمان کوتاه و خاورمیانه در مدت زمان متوسط باید خود را از لحاظ سیاسی دوباره بیافرینند و در اقتصاد جهانی به سطح بالایی از یکپارچگی دست پیدا کنند. چالش درازمدت به چگونگی عملکرد ما در خصوص فقر مایوس‌کننده‌ای که آفریقا گرفتار آن است، مربوط می‌شود چرا که با پیشبرد عصر شکوفایی، این فلاکت بشری در آینده قابل تحمل نخواهد بود.

۳ - نیروهای قرن بیست و یکم:

تنها راه حفظ روند عصر شکوفایی، یافتن روشی برای کند کردن و یا در نهایت ریشه‌کن نمودن خسارت به محیط‌زیست است. این بخش به شرح فناوری‌هایی می‌پردازد که همزمان با کاستن فشار از محیط‌زیست، به سرعت ترقی کنیم. در این بخش از چگونگی تحول قریب‌الوقوع به سمت تکنولوژی‌هایی بحث می‌شود که انرژی آنها از سوخت جدید باطری تأمین می‌شود که می‌توانند وابستگی به نفت را از میان برداشته، هیدروژن را به عنوان منبع اولیه سوخت ترویج‌دهنده گازی که در واقع جز آب، هیچ فرآورده جانبی دیگری ندارد. در اینجا سخن از فرارسیدن

نانوتکنولوژی nanotechnology (تکنولوژی یک میلیاردم، تکنولوژی ذره‌ای) است که نهایتاً راه حل بلندمدت رفع آلودگی را به ارمغان می‌آورد.

تغییر شرایط اقلیمی یک چالش واقعی جهانی است که به طور روزافزون، کل جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. سطوح بالای رشد اقتصادی که همگام با عصر شکوفایی پدید خواهد آمد، ما را بر آن می‌دارد که هرچه بیشتر به فناوری‌های بی‌خطر محیطی روی آوریم و به سرعت از سوخت‌های قدیمی دور شویم. به طور کلی، خلق یک اقتصاد جهانی موفق که همگام با طبیعت باشد، امکان‌پذیر و عملی است. راه حل کلیدی برای رفع مشکلات زیست‌محیطی، تغییر منبع انرژی است. باید وابستگی به سوخت‌های فسیلی را خاتمه داد. خوشبختانه، انواعی از تکنولوژی‌های انرژی جایگزین پدید می‌آیند که دسترسی به انرژی فراوان، ارزان و پاکیزه را ممکن خواهند ساخت. در دو دهه‌ی آتی، پیل‌های سوختی برای جایگزین شدن با موتور درون‌سوز، از نیروی لازم برخوردار خواهند بود. هیدروژن به عنوان منبع انرژی پاکیزه پیل‌های سوختی، می‌تواند به زودی جایگزین نفت شود.

پیشرفت‌های علوم زیست‌شناختی، توانایی شگفت‌آور جدیدی در کار کشاورزی و صنعت ایجاد می‌کنند که برای محیط‌زیست، آینده خوبی را نوید می‌دهد. هر قدر انسان‌ها از عملکردهای پایدار طبیعت بیشتر بیروی کنند، همه

در قرن بیست و یکم آمیزش فرهنگ‌ها همگام با پیشرفت جهانی شدن، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. تمامی فرهنگ‌های دنیا که قرن‌ها از همدیگر مجزا مانده بودند، به جهانیان شناسایی شوند



چالش درازمدت به چگونگی عملکرد ما در خصوص فقر مایوس‌کننده‌ای که آفریقا گرفتار آن است، مربوط می‌شود چرا که با پیشبرد عصر شکوفایی، این فلاکت بشری در آینده قابل تحمل نخواهد بود

ما موفق‌تر خواهیم بود. در این راستا، برخی پیشرفت‌های مهم تکنولوژی زیستی، مسایل مهمی ارائه خواهد داد و جامعه باید آنها را مورد توجه قرار دهد. نهایتاً از طریق نانو تکنولوژی می‌آموزیم ابزارمان را به همان روشی بسازیم که طبیعت ارگانیسم‌ها را می‌سازد: در یک لحظه برای آنها چند مولکول می‌سازد. پس

تکنولوژی زیستی، موج تکنولوژی آتی است که همه ما آن را دنبال خواهیم کرد. نانو تکنولوژی موج دیگری از تکنولوژی است که بلافاصله پس از بیوتکنولوژی

یا به عرصه خواهد گذاشت. نانو تکنولوژی روش تولیدی را

کاملاً زیر و رو خواهد کرد. چرا باید برای تولید محصولات، مواد را از

زیرزمین استخراج کنیم، آنها را ذوب کرده، از بین ببریم و بسیاری از آنها

را دور بریزیم؟ می‌خواهیم در آینده محصولات را ذره ذره، بسیار سریع و از

طریق میلیاردها عملکرد همزمان بدون هیچ‌گونه اتلافی تولید کنیم.

نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی همگام با تکنولوژی‌های جدید انرژی و

گونه‌های آتی تکنولوژی رایانه‌ای بسیار قدیمی ما، محرک‌هایی خواهند

بود که عصر شکوفایی را در طول قرن بیست و یکم پیش می‌برند. سپس

توانستیم از آر. ان. آ (RNA) یعنی وابسته دی. ان. ا (DNA) برای تولید

چهار پروتئین اصلی که سازنده قالب‌ها هستند، استفاده کنیم. قالب‌هایی

که می‌توانند با هر دو رشته مجزا برای دو برابر کردن مؤثر مولکول

اصلی دی. ان. ا جور شوند. این تپش نابسامان از طریق آنچه به عنوان

پی. سی. آر (PCR) یا واکنش زنجیره‌ای پلی مری شناخته شده است،

اصلاح شد. پی. سی. آر روش متداولی از همانندسازی سریع دی. ان. ا

است. قبل از پی. سی. آر تکثیر بسیار دشوار و آهسته‌ی دی. ان. ا مانع

از پیشرفت در این محدوده از تحقیق دانش زیستی شد. این پیشرفت

مهم در زمینه پی. سی. آر در میان سایر پیشرفت‌ها، در دهه ۱۹۸۰ منجر

به شکوفایی بیوتکنولوژی شد که با آنچه در دنیای رایانه شخصی رخ

داد، شباهت داشت. دهه ۱۹۹۰ بخش بیوتکنولوژی شکوفایی را به همراه

آورد که تقریباً به طور کامل از نظر عموم پنهان ماند، تا حدودی به این

دلیل که مردم تا حد زیادی شیفته شرکت‌هایی هستند که با اینترنت

ارتباط داشته و سیکل تولید بی‌نهایت کوتاهی دارند. لذا ثابت خواهد شد

که دهه ۲۰۰۰، دهه بیوتکنولوژی است تهیه مسکن‌هایی همچون سی. او. ایکس. دو (COX2)، مسکن‌هایی که در سطح مولکولی تولید شده

و به گونه‌ای خاص برای انواع مشخصی از درد، در نظر گرفته شده‌اند و

یا داروی جدیدی برای آلزهایمر (تباهی سلول‌های مغزی) در دست تهیه

است که به حفاظت از عملکرد سلول‌های عصبی حافظه کمک می‌کند.

هم‌اکنون نوعی داروی کاملاً جدید برای معالجات سرطان به بازار آمده است. این داروها متضمن افزایش طول عمر بوده و باعث می‌شوند، معالجه سرطان

اروپا الگوی جدیدی از یکپارچگی اقتصادی و سیاسی را خلق می‌کند که احتمال می‌رود شمار بسیاری از سایر مناطق جهان آن را دنبال کنند

بسیار قابل تحمل‌تر از معالجاتی مانند شیمی درمانی و استفاده از اشعه باشد. داروهای جدید، زیست‌شناختی بوده و از پروتئین‌ها و مواد ژنتیکی که به طور طبیعی پدید می‌آیند، ساخته می‌شوند. تکنولوژی زیستی، تکنولوژی انسانی است و از فرآیندهای بیوتکنولوژیکی که طبیعت طی میلیون‌ها سال تکامل تدریجی به انجام رسانده است، دنباله‌روی می‌کند.

پیشرفت دانش علمی، به هیچ‌وجه پایان نیافته است، می‌توانیم منتظر پیشرفت‌های مهمی در فیزیک و زیست‌شناسی باشیم، زیرا برخی از فرضیه‌های ما هنوز به عنوان حقایق شناخت شده قطعی به اثبات نرسیده‌اند. چنانچه این پیشرفت‌ها عملی شوند، احتمالاً به نگرش ما نسبت به کل جهان هستی شکل تازه‌ای می‌دهند و شگفتی‌های فناوری مهمی را به ارمغان می‌آورند.

۴. تولد یک تمدن جهانی:

این بخش علاوه بر تکنولوژی و اقتصاد، نگاهی بر تأثیرات دامنه‌دار آنها روی برخی از جنبه‌های دیگر زندگی ما دارد. طی دوران قرن بیست و یکم، احتمالاً شاهد تغییرات بنیادینی در تکنولوژی، علم، حکومت و هنرهای خود خواهیم بود و به انواع جدیدی از تمدن، یعنی تمدن جهان شمول خواهیم رسید. این تمدن با سایر تمدن‌های بزرگ جهان مدارا خواهد کرد و به رونق ادامه خواهد داد. ما در این عصر شاهد ظهور طبقه متوسط جدید جهانی و صعود زنان خواهیم بود.

معیار اساسی موفقیت عصر شکوفایی، شمار افرادی است که از مواهب الگوی زندگی طبقه متوسط بهره‌مند می‌شوند. رشد طبقه متوسط جدید جهانی، یکی از نتایج سودمند عصر شکوفایی و نیز محرکی برای توسعه اقتصادی مداوم خواهد بود. این افراد، ویژگی‌ها و روش‌های مشترک بسیاری خواهند داشت، چرا که به گونه‌ای فزاینده تحت تأثیر یک رسانه و فرهنگ جهانی مشترک قرار دارند. آنان در قرن آتی در حد بسیار وسیعی مؤثر خواهند بود. عصر شکوفایی، زمینه گسترش ثروت را فراهم کرد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جهان در حال توسعه، از نظر اقتصادی رو به رشد نهاد، تا جایی که طبقه متوسط چشمگیری ظهور کرد. مردم طبقه متوسط، همیشه در نهایت، خواهان آزادی فردی بیشتر و نظارت بیشتر بر امور زندگی خود هستند و بالاخره یکی از ویژگی‌های برجسته مردم طبقه متوسط این است که می‌توانند آزادانه به آینده فکر کنند. در این میان ما شاهد ظهور یک فرهنگ جهانی حساس، پیچیده و متنوع نیز خواهیم بود که فرهنگ‌های موجود دنیا را تحت پوشش قرار می‌دهد، بدون این که آنها را از بین ببرد. ولی آنچه تاکنون جهان شاهد آن بوده است از بین رفتن فرهنگ‌های متنوع دیگر بوده است آن هم

تکنولوژی زیستی، تکنولوژی انسانی است و از فرایندهای بیوتکنولوژیکی که طبیعت طی میلیون ها سال تکامل تدریجی به انجام رسانده است دنباله روی می کند

به نفع فرهنگ جهان توسعه یافته. همچنین اعضای طبقه متوسط جهان اطلاعات خود را از رسانه جهانی مشترکی کسب می کنند. صنعت فرهنگ جهانی بخش اعظم تفریحات آنان را فراهم می آورد. محصولاتی مشابه می خردند و لباس های یک شکل به تن می کنند و در رأس تمام این موارد، در سراسر کره زمین، از این سو به آن سو می روند و با سرعتی شگفت انگیز از کشورهایی دیدن می کنند که سابقاً برای آنها بیگانه بود.

رشد طبقه متوسط جدید جهانی، یکی از نتایج سودمند عصر شکوفایی و نیز محرکی برای توسعه اقتصادی مداوم خواهد بود

در پی صعود اجتناب ناپذیر طبقه متوسط جهانی جدید، توسعه اجتناب ناپذیر دیگر، ارتقای جایگاه زنان در سراسر جهان است. گسترش فرصت های زنان، بخش مهمی از داستان پیشرفت اقتصادی ملت های توسعه یافته در سراسر قرن بیستم بوده است که طی سه موج به اوج خود رسید: زمان وقوع موج اول، از حدود سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ یعنی دو دهه. این چهل سال در ایالات متحده نشانگر تحولی بود که به دنبال آن، یک ملت روستایی

متشکل از کشاورزان پراکنده، به صورت یک ملت صنعتی متشکل از شهرهای پرجمعیت درآمد. در این دوره، شاهد تولد طبقه متوسط آمریکایی مدرن بودیم. دوره بعدی قیام زنان تقریباً در بین دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۶۰ و مقارن با افزایش انبوه جامعه مصرف کننده و گسترش و یکپارچگی هرچه بیشتر طبقه متوسط بود. موج سوم تغییرات از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰، توسط نسل پر زاد و ولد پس از جنگ جهانی دوم، راهبری شد. این گروه حرکت خود را از طریق نظام آموزشی عالی و محیط کار آغاز کردند. در این میان جهان نه تنها به سمت رشد یک اقتصاد جهانی تر، بلکه در جهت حکومت های مردمی تر نیز پیش رفت. دموکراسی سیاسی در مفهومی گسترده به بهای ورود عمیق تر به اقتصاد جهانی و جامعه جهانی وسیع تر تبدیل می شود. جامعه ای که در آن بیشتر از همه صدای زنان به گوش خواهد رسید.

با توجه به تغییرات بسیاری که در اطراف ما روی می دهد، هرکسی با این سؤال مواجه می شود که اکنون برای ساختن آینده ای بهتر چه کاری می توان انجام داد؟ در این کتاب ده اصل راهنما پیشنهاد شده که تقریباً در تمام عرصه های سراسر دو دهه اخیر عصر شکوفایی، ثمربخش بوده اند. تصور می شود که این اصول از تمامی گزینه های ما در سال های آتی خبر می دهند. آنها به عصر شکوفایی تداوم بخشیده و به رشد همه مردم کمک می کنند. این اصول عبارتند از (۱) در تمام زمینه ها حرکتی جهانی داشته باشید (جهانی شوید)، (۲) سیاست باز داشته باشید. در این میان سیاست

باز خوب، و سیاست بسته، بد است. لذا مرزها باید به روی جریان آزاد سرمایه باز باشد و در نهایت آزاد بودن مردم رکن مهم رسیدن به سیاست های باز است که خود نیازمند بیان آزاد است. (۳) شیوه های نظارتی پیشین را کنار بگذارید. چرا که آینده به سمتی می رود که کنترل آن فراتر از قدرت هر فرد یا حتی هر سازمانی است. هیچ کس تحت نظارت نیست و این بسیار مطلوب است. اگر هیچ کسی تحت کنترل نیست، پس چه کسی مسئول است؟ می توان پاسخ داد که «همه» (۴) بیشتر رشد کنید. رشد بیشتر نماد بنیادین عصر شکوفایی است. (۵) همواره سازگار باشید. (۶) همواره بیاموزید (۷) نوآوری را ارزشمند بدانید (۸) به شبکه متصل شوید. چرا که متصل شدن نیز یک اصل اساسی در اقتصاد شبکه ای جدید است. اقتصاد علمی جدید بدون اتصالات رایانه ای، راه به جایی نخواهد یافت. (۹) فراگیر باشد. یعنی سایر مردم را نیز به کار شبکه ای جذب کنید (۱۰) اطمینان داشته باشید. چرا که ما برای حل تمام چالش هایی که در پیش رو داریم، کاملاً باید توانمند بوده و همواره مطالعه این اصول راهنما را به خاطر بسپاریم.

عصر شکوفایی در خاتمه به اینجا می رسد که وقوع عصر شکوفایی حتمی نیست و باید برای تحقق آن تلاش کرد. نسلی که امروز مسئول به شمار می رود، باید از فرصت عظیم عصر حاضر بهره برداری کند. ما قدرت آن را داریم که برای فرزندانمان و نسل های آتی، دنیای مطلوب تری را در قرن بیست و یکم ایجاد کنیم. انجام چنین کاری به ضرورت رشد اقتصادی امروز بسته است. قصور امروز برای دستیابی به رشد عالی، به آینده تاریکی منجر خواهد شد. لذا به اعتقاد مؤلفان کتاب ما تنها یک انتخاب پیش رو داریم. چرا که هر نسلی چالش مهم خود را دارد، و چالش ما اساساً به تحقق رساندن عصر شکوفایی است. به اعتقاد این عده، نسبت به چگونگی متحول شدن در راستایی که به نفع همگان باشد، دید جامعی وجود ندارد. لذا نویسندگان عصر شکوفایی قصد خود را ارائه چشم اندازهای عصر شکوفایی و مجموعه ای این ایده ها می دانند تا گامی در جهت حل این مشکل برداشته شود کاری شود که مردم با تفکری مثبت به آینده و سرنوشتشان بیندیشند و از هر طریق این طرح را بهبود بخشند. لذا تحقق عصر شکوفایی، تماماً به انتخاب های درست ما بستگی دارد. ملل جهان باید به میل خود سیستم جهانی رو به تکامل را برگزینند و هیچ کس نمی تواند آنها را به کاری وادار کند. نهایتاً این گزینش به افراد بستگی دارد. سرانجام هر فردی ناچار

خواهد شد حرکت به سمت آینده‌ای مطمئن‌تر یا باقی ماندن در وضع موجود را برگزیند. هر کسی که کمتر از پنجاه سال دارد، از این شانس برخوردار است که سال ۲۰۵۰ میلادی را ببیند.

هرچند که نویسندگان کتاب مردم جهان را دارای حق انتخاب می‌دانند ولی در عمل با نوشتن این کتاب درحقیقت هیچ انتخابی را برای جهانیان قایل نشده‌اند مگر یک انتخاب آن هم زندگی به روش آمریکایی و اروپایی و هضم شدن در نظام بین‌الملل جهانی. زوایای این نگاه را در آخرین مبحث کتاب که «یادداشت رسمی برای رئیس‌جمهور منتخب» نامیده شده است، می‌توان مشاهده کرد که در زیر به مهم‌ترین بخش‌های آن می‌پردازیم:

به رئیس‌جمهور منتخب

موضوع: نیل به عصر شکوفایی تاریخ: ۱۵ ژانویه، ۲۰۰۱

«موفقیت شما را در انتخابات تبریک می‌گویم. پذیرش اقتصاد جدید و مقابله با هراس‌های جهانی شدن و همین‌طور اعتماد به نفس شما درخصوص دستیابی به آینده که همراه با خوشبینی بود... گام بعدی این است که مردم را متقاعد سازید که امروز، رهبری قدرتمند ایالات متحده در جهان، امری ضروری است. و بدون آن، برای تحقق کامل این دیدگاه شانس وجود ندارد. ایالات متحده برای پذیرش مسئولیت‌ها، تعهدات و فرصت‌های تنها ابرقدرت جهان بودن، باید به گونه‌ای واقع‌گرایانه و نیز به شکلی نمادین ارتقا پیدا کند. به این معنی که نه تنها باید حق عضویت خود را به طور کامل و به موقع به سازمان ملل متحد پرداخت کند و تعهدات مجددی را در مورد کمک به صندوق بین‌المللی پول برعهده بگیرد و در صورت لزوم این کمک را افزایش دهد، بلکه باید در خلال تحول دشوار روسیه به سمت ایجاد حکومت مردمی و بازار آزاد، از نظر مالی به این کشور کمک کنند و چنانچه چین، اقتصاد نوین را بپذیرد. او را نیز وارد این عرصه نماید... ایالات متحده، همچنین باید اقدامات مربوط به یکپارچه کردن زیرساخت‌های نظارت جهانی در عرصه‌های مالی، قانونی و زیست‌محیطی را رهبری کند... سیاست‌های کینزی با سبک قدیمی، با اقتصاد نوین تناسب ندارند. در دنیایی که میزان بیکاری پایین است و تورمی وجود ندارد، می‌توانیم از رشد بالا و دستمزد روزافزون برخوردار باشیم. این کار برای ما امکان‌پذیر است زیرا پیشرفت‌های تکنولوژیکی به طور چشمگیری بازدهی را افزایش داده‌اند و این امر باعث می‌شود که رشد اقتصادی، پایدار و بدون تورم شود... ما می‌توانیم با تحمل کمبودهای امور تجاری کوتاه‌مدت، به کشورهای در حال توسعه کمک کنیم تا برای ارتقای سطح استانداردهای زندگی‌شان تلاش کنند و بدین ترتیب، مصرف‌کنندگان بزرگتر محصولات و خدمات ما در آینده شوند... همه در این اقتصاد جهانی جدید رشد نخواهند کرد. مخالفت با برخی سیاست‌های مهم و ضروری، مانند تجارت آزاد از کسانی ناشی می‌شود که از غرق شدن در شکاف‌های اقتصاد جدید بیمناک هستند... برخی از مردم موقعیت‌های شغلی خود را از دست می‌دهند و برای تثبیت مجدد خود، با مشکلات بزرگی مواجه می‌شوند... کلید موفقیت در عصر شکوفایی، ایجاد یک جامعه‌ی دانش‌پژوه است. شما باید به آمریکایی‌ها کمک کنید تا

بفهمند تحصیلات چیزی نیست که با رسیدن به سنین بیست سالگی متوقف شود، بلکه روندی مادام‌العمر است... دیدگاه عصر شکوفایی مبتنی بر سرعت تغییرات تکنولوژیکی است. بازگرداندن نقش دولت فدرال به عنوان حامی اصلی علم، وقوع این امر را تضمین می‌کند».

سخن آخر

عصر شکوفایی با تکیه بر حوادث دو دهه اخیر رویدادهای جهانی را تا سال ۲۰۵۰ میلادی پیش‌بینی می‌کند. عصر شکوفایی کاربرد جدیدی برای اصطلاح جهانی شدن است که پیش‌بینی‌های فراوان آن کتاب را به یک اثر خواندنی و مفید به‌ویژه برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران تبدیل کرده است. ولی مهم‌ترین اشکال کتاب، آن است که شکوفایی را روندی آمریکایی و اروپایی و منحصر در پیشرفت‌هایی می‌داند که این مناطق بدان نایل شده یا در آینده به آن نایل خواهند شد و برای سایر بخش‌های جهان ارزشی چندانی قایل نیست و همان‌طور که در نامه آخر اشاره شد بهترین توصیف برای کشورهای در حال توسعه، مصرف‌کنندگان بزرگ‌تر محصولات و خدمات جهان توسعه یافته است. به همین دلیل کتاب تا اندازه زیادی بار ایدئولوژیک آن هم به سبک آمریکایی دارد.

جهانی شدن را نباید با مفاهیم دیگری مانند غربی شدن جهان، آمریکایی شدن جهان و مدرن شدن جهان اشتباه گرفت و یکی دانست. مکان‌زدایی، سرزمین‌زدایی، رشد جامعه فراصنعتی و گسترش جامعه اطلاعاتی، تکنولوژی اطلاعاتی و آزادسازی تجاری این سازه‌ی ذهنی را که «دنیا خانه من است» از مقبولیت بیشتری برخوردار کرده است. همان‌گونه که قبلاً تمدن‌های بشری در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، تمدن جهانشمول نیز در کنار سایر تمدن‌ها به حیات خود ادامه خواهد داد. با این وجود این تمدن دارای دو تفاوت عمده است: اول این که برخلاف سایر تمدن‌ها به جغرافیای خاصی وابسته نیست و جنبه‌ی جهانی دارد و دوم این که نمی‌توان قلمروی برای این تمدن تعیین کرد. زیرا جنبه سرزمینی نداشته و به صورت ترکیبی آمیخته در درون سایر تمدن‌ها رشد می‌کند. پس نمی‌توان جهانی شدن را در قالب عصر شکوفایی به عنوان یک ایدئولوژی جدید آمریکایی توصیف کرد.

جهانی شدن حرکت جدید تمدنی همه انسان‌های روی زمینی است. ولی عصر شکوفایی جهانی شدن و تمدن جهانشمول را مبتنی بر اصل برابری نمی‌داند و چشم‌انداز آن برای کشورهای در حال توسعه تیره و تار است. ولی به هر حال آینده گشوده است و جهانی شدن و عصر شکوفایی اموری یکسویه نیستند و می‌توانند مبنای دگرگونی پیش‌بینی‌ناپذیر در روابط شمال و جنوب قرار گیرند. چرا که شکوفایی بدون در نظر گرفتن همه عناصر و واحدهای جهانی صرفاً نوعی ایدئولوژی آمریکایی خواهد بود. در این میان کشورهای جنوب نه می‌توانند نسبت به پدیده‌ی جدید شکوفایی بی‌تفاوت باشند و نه تسلیم بی‌چون و چرای آن (که همان خواسته نویسندگان عصر شکوفایی است) بلکه بهترین گزینه درگیری این واحدها با موضوع جهانی شدن و اصلاح و بازسازی آن در خلال یک سیاست اصلاح‌طلبانه است که می‌تواند آینده روشن‌تری را برای آنها به ارمغان آورد.